# تاثیرات نماز در زندگی فردی و اجتماعی از نگاه امام رضا علیه السلام

## عالیه شریفی

## دبیر اموزش و پرورش چاراویماق، مرند

چکیده

انسان از همان ابتدای آفرینش مدیون الطاف و مهربانی های بی دریغ و بی منت خالق یگانه و بی همتای خود بوده و هست. خداوند جان آفرین غنی به ذات است و انسان سراپا احتیاج و نیاز، که نیاز مبرم به پشتیبان بزرگ دارد. همانگونه که هر شرکت و کارخانه ی سازنده برای مصنوعات خود دستور العمل و کتابچه ی راهنما دارد، خدا نیز برای مخلوق خود کتاب راهنما و ه دایتگر به نام قرآن دارد که یکی از دستورات موکد این کتاب الهی اقامه ی نماز در اوقات پنجگانه است. اقامه نماز مقدماتی دارد که خود دارای فلسفه ی خاص است. اقامه نماز کانال ارتباط بین مخلوق سراپا احتیاج با خالق بی نیاز و کریم است تا از این کانال به سیر صعودی الي الله رهنمود شود و تعالی پیدا کند. اقامه ی نماز بسته به حضور قلب و مراعات مقدمات و موخرات اثراتی دارد که یکی از آنها بازداری انسان از فحشا و منکر است که این خود قدم اول برای سلوک سالک راه حق و حقیقت است.

واژگان کلیدی: نماز، زندگی فردی و اجتماعی.

مقدمه

گفته های پیشوایان دین، نور است و پرده از تاریکی برداشته، جهالت را می زداید و آدمی را با حقیقت ناب آشنا می سازد.(عزیزی، پاییز 1375،7) در سرلوحه ی دستورات هدایتگرانه ی الهی و سخنان معصومین علیهم السلام معراج مومن، نماز قرار دارد و دستوری است که همه ی انبیاء به آن سفارش کرده اند و وسیله ی شکر و مایه ی پاکی و سعادت انسان است. بخش عظیمی از کلام بزرگان دین، معصومین علیهم السلام به همین فریضه ی مهم تعلق گرفته و سخنان گهربار این عزیزان به به انحاء مختلف پیرامون آن پرتو افشانی می کند. (عزیزی،پاییز 1375،6) وقتی در این آینه ی شفاف و چشمه ی زلال معرفت به نظاره و تماشا نماز می نشینیم، ابعادی تازه تر و سیمایی درخشان تر از نماز را مشاهده می کنیم. (سرخط) هنگامی که دیده می گشاییم وبه این آینه می نگریم، نماز را چنین می بینیم: بهترین نردبان قرب،چشمه ی جوشان خیر و برکت، کلید گشایش مشکلات،شستشو دهنده ی دل، روح عرفان و اخلاص، برترین شعار پیامبران و امامان. (عزیزی، پاییز 1375، 7) نماز اساسی ترین ریشه ی الفت و عالی ترین عامل محبت بین بندگان و حضرت حق است.

نماز نوردل و صفای قلب و روح جان و سلامت روان و فروغ ذات عباد صالح خداست.

نماز واسطه ی محکمی است که تمام هستی انسان را به ملکوت هستی پیوند می دهد و به مانند آن، برنامه ای را برای ربط دادن آدمی به حق و حقیقت نمی توان یافت. نماز پناه بی پناهان، سنگر جهادگران، گلستان روح افزای عاشقان، چراغ سحر مشتاقان، نور وجود عارفان، آرامش دل بینایان و سیر کمالی آگاهان است. نماز زنده کننده ی جان، ظهور دهنده ی حیات جاودان، راز و نیاز درد مندان، روشنی راه رهروان، نوردیده ی بیداران، سرمایه ی مستمندان، دوای درد بی دردان، نوای دل بیدلان، دلیل گمراهان، امید امیدواران، سر حقیقی سحر خیزان، سوز دل سوختگان، حرارت روح افسردگان، مایه ی بقای جان و دستگیره ی نجات انسان از تمام مهالک است. نماز برتر از همه ی عبادات، جامع تمام کمالات، منع کننده ی کل واقعیات، منبع برکات و کلید قفل تمام مشکلات است. نماز خمیر مایه ی حیات، تزکیه کننده ی صفات، علاج زشت ترین عادات، آورنده ی حسنات، تبدیل کننده ی سیئات، باعث کرامات، منبع فیض و افادات، نگهدارنده ی انسان از حادثات، مانع سانحات و حقیقت کائنات است.

نماز عشق سالکین، عباداتی آتیش، کاری بی قرین، بهترین معین، خورشید اهل زمین، مونس اصحاب دین، امنیت جان غمین و رحمت واسعه ی حضرت ارحم الراحمین است. نماز واقعیتی روحانی، امر واجب حضرت سبحانی، نفخه ی رحمانی، جان انسانی و نور یزدانی است. نماز هویت ایمان، حقیقت جهان، طریقت جان، قدرت انسان و مایه ی بهشت و رضوان است. نماز چشمه ی زمزم روح، ساغر معنوی صبوح، فتح الفتوح، توبه ی نصوح، حضرت حق را ممدوح، اجمال قرآن را مشروح و در طوفان حوادث کشتی نوح است. بدون نماز خود را اهل حق و حقیقت مدان و رسیدن فیض خاص الهی را به سوی خود توقع مدار. اکسیر وجود منهای نماز بی سود است، بی خبران از نماز بی خردانند و فراریان از این مقام گرفتار دام شیطانند. ثروتمندان بی نماز فقیرند و تهیدستان با نماز از همه مستغنی تر (انصاریان،1375، 11-13)

یکی از مسائل بسیار مهم دین، نماز است. لقمان حکیم به فرزندش می فرماید: ای فرزند! نماز به پادار و امر به معروف ونهی از منکر کن و بر این کار، از مردم نادان هر آزار ببینی، صبرپیش گیر که این (صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق)نشانه ای از عزم ثابت (مردم بلند همت) درامور عالم است.

معنی نماز

اهل لغت، لفظ و واژه ی”صلاه» را از چند ریشه فرض کرده اند، بعضی گفته اند:”صلاه»از ریشه ی”صلیّتُ العود علی النار” است، یعنی چوب را با آتش راست نمودم. بعضی گفته اند:”صلاه” از ریشه ی” رحمت” است. بعضی گفته اند:”صلاه” از ریشه ی”مصلی” و”وصله» به معنای پیوستن است. انسان نماز گزار با نماز به خدا می پیوندد یا انسان با نماز خلق کج و عقیده نا صحیح را صاف و مستقیم می کند.

بعضی هم فرمودند:”صلاه” به معنای زیارت است و مصلی و نماز گزار در نماز خداوند را زیارت می کند و شاهد این معنا حدیثی از مولا امیر المومنین علیه السلام در تفسیر”قَد قامَت الصلاه” است. مولا امیر المومنین علیه السلام فرمود:”قد قامت الصلاه” یعنی: وقت زیارت و ملاقات خداوند فرا رسیده است.

امام علی علیه السلام در معنای”قد قامت الصلواه” در اقامه می فرماید: یعنی وقت دیدار و راز و نیاز و برآورده شدن حوائج و رسیدن به آرزو و وصال خدای عزوجل و کرامت و عفو و خشنودی و آمرزش او ر سیده است.

«اَلمُصلي یُناجي رَبّه” نماز گزار با خدای خود نجوا می کند.

امام رضا علیه السلام می فرماید: شخصی از یکی از ائمه علیه السلام سوال کرد: معنای نماز چیست؟ آن امام در جواب فرمود: نماز یکی از هدایای الهی به بنده و یکی از راه های رسیدن به خداست. نماز در صورتی وصل شدن به خداست که رکوعش با خشوع و برخاستن از رکوع همراه با تواضع و سجده اش همراه با خشوع باشد. (ابراهیمیان آهکی، زمستان 1381، 15-16)

نماز

امام رضا علیه السلام فرمود:”پس اگر فردی بپرسد که چرا به نماز مامور گشتند، جواب آن است که در نماز اقرار مالکیت خداوند است و این صلاح عموم است، زیرا در آن رها کردن معبودان دیگر و گذر کردن از همه ی آن ها و رسیدن به پیشگاه خداوند جبار است با کمال کوچکی و اظهار ذلت نیازمندی و خضوع و خشوع، اعتراف به بندگی و طلب بخشش از گناهان گذشته، نهادن پیشانی بر روی خاک هرروز و هر شب تا اینکه بنده همیشه به یاد خدا باشد و او را فراموش نکند و در درگاه او خود باخته و پر هراس و کوچک و حقیر و خواهنده و مایل و افزونی دین و دنیای خود باشد، بعلاوه ی انزجار از گناه و تباهی که در آن است، و این عمل مرتب برای او ادامه دارد در شبانه روز، برای این که بنده مدبر و سرپرست و خالق خود را از یاد نبرد و به فراموشی نسپارد تا که به ناشکری و نا سپاسی افتد و طغیان و سر کشی کند و برای اینکه همیشه در سلک طاعت پروردگار خود باشد و به وظایف بندگی در پیشگاه خدایش قیام کند و این عبادات جلوگیر باشد او را گناهان و مانعی برای او باشد از گرایش به فساد و خرابکاری.”

نماز معراج مومن است و از این طریق هر متقی می تواند طلب قرب به خدا بنماید و امام علیه السلام به بعضی از مصالح و حکمت ها در تشریع آن استدلال کرده که به شرح زیر است:

الف: از فواید نماز و ثمرات آن اقرار به بندگی مطلق خدای متعال و خالق بزرگی است که مانندی برای او نیست و بر نمازگزار است که بر خشوع و خضوع و خواریش در برابر بیفزاید و طلب گذشت و آمرزش از گناهانی نماید که در طول حیات مرتکب شده است.

ب: نمازگزار اگر صحیح جامع الشرایط برگزار شود، پس انسان را از ارتکاب گناهان حفظ می کند و او را از منکر باز می دارد و به سوی خیر راهنمایی می کند.

ج: تکرار نماز در هر روز از حکمت آن است که انسان اتصال دائم خود را به خالق و مدبر امورش محکم کند. اضافه بر این فوایدی که امام علیه السلام بیان کرد، نماز بهترین راه ادامه مجتمع انسانی با قوای روحیه ی خلاقه است.

اگر انسان با خدایش ارتباط روحی نداشته باشد، خشیت و ناراحتی بر او چیره می شود و نماز او را در ارتباط با مبدا فیاض کمک می کند و از او ترس و وحشت و کدورت را بر طرف می سازد و به علاوه قدرتی به او می دهد که می تواند در برابر کلیه ی حوادث سخت ایستادگی کند. (شریف القرشی، 1382، 40-41)

ارکان بندگی پروردگار از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)

از عمده ترین و اساسی ترین پایه های پروردگار از دیدگاه امام رضا علیه السلام عبارتند از:

معرفت و توحید الهی

امامت و ولایت

نمازهای پنجگانه

امام هشتم (علیه السلام) برای سه موضوع فوق، ارزش و اهمیت والایی را قائل است. چرا که بندگی حق، به شکل راستین زمانی تحقق می یابد که این سه عامل، اصلی ترین موضع و جایگاه را در زندگی داشته باشد.

معرفت و توحید الهی

هر مسلمان باید برنامه ی زندگیش دارای جهت و توحیدی باشد، و براندیشه، ملکات و رفتارهای او فکر توحیدی سیطره پیدا کند و یک سره تسلیم حکم وحی الهی باشد.”اگر آدمی خدا را به بزرگی شناخت و الوهیت را منحصر به ذات عظیم یگانه او دانست و ذات پاک او را منزه از مشابهت با مخلوقات و صفات و احوال مخلوقات دانست، ناچار خالص و مخلص خواهد برای خدا، تمام خیر و نعمت را از خدا خواهد دانست و غیر خدا را منشاء هیچ خیر و نعمتی نخواهد دانست. پس هر گونه عبادت و شکر و حمد و سپاس را در مقابل هر گونه نعمت، از نعمت آفرینش گرفته تا نعمت های تابعه ی آفرینش مانند علم و هدایت و دین و ایمان که نعمت های معنویند و زمین و آسمان و ابر و باد و مه و خورشید که نعمت های مادی هستند، در مقابل همه ی این ها شکر و حمد و سپاس و عبادت را مختص و منحصر برای خدا خواهند دانست.

امام رضا(علیه السلام)فرموده است:”نخستین گام در عبادت و پرستش خداوند، معرفت حق تعالی است و اساس معرفت به خدا، یگانگی خواندن اوست.»

امامت و ولایت

از دیدگاه امام هشتم (علیه السلام) بندگی حق، بدون پذیرش اصل امامت و ولایت نمی تواند کم ترین نقش را در حرکت و رشد جامعه ایفا نماید و موقعیت این دو در دین مقدس اسلام، موقعیت روح در بدن است.

امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه ی زیر که خداوند فرموده است:”آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می شود؟!»

فرموده است:”منظور آیه ی قرآن کسی است که رای شخصی خود را ملاک بندگی دیانت قرار می دهد، بدون اینکه از رهبری امام بر حق رهیاب شده باشد.»

«محمد بن فضیل” گوید: از امام رضا (علیه السلام) معنای آیه ی زیر را پرسیدم:

« بگو ای پیامبر، این مردم به فضل پروردگار و به رحمت بی پایان او باید خشنود بشوند، که از آن چه گردآوری کرده اند، بهتر است.” حضرت فرمود:”به ولایت محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) باید شادمان باشند که آن بهتر است از دنیایی که آن ها جمع می کنند.”

محبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندان بزرگوار او سبب می شود که آدمی کمالات و علوم و هدایتشان را درک کند و به مقام پیشوایی و ولایت آن ها پی برده و راه عبودیت را دریابد و در آن مسیر گام نهد این رشته ی محکم پیوند آدمی را با پیشوایان دین صفا و عمق می بخشد.

البته میان محبت راستین و عمل، رابطه ای استوار وجود دارد. بدین معنا که هر چه آدمی به این خاندان علاقه ی راستین داشته باشد، سعی می کند ویژگی ها و نحوه ی زندگی محبوب خود را بدست آورد و از مکتب و برنامه ی ایشان پیروی کند و این است رمز جاودانگی مکتب که آدمی با پیمودن راه عبودیت کوره راه های تنگ و باریک زندگی را برخود روشن و هموار می نماید.

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:”حب پیامبر و خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تسلیم دربرابر دستورات ایشان را به اتکای عبادت و نماز رها نکنید. زیرا هر کدام از این دو، بدون دیگری پذیرفته نیست. عبادت و نماز بدون محبت پیامبر و خاندانش پذیرفته نیست. دوستی پیامبر و خاندانش بدون عبادت و نماز هم مورد قبول نیست.»

امامت و ولایت، نقش والایی رادر حیات معنوی جامعه ایفا می کند. زیرا این دو عامل حافظ و نگهبان تمام دستورات و سنتها و احکام الهی است. همانگونه که نخ و ریسمان برای تسبیح اساس وجود و حفظ فایده ای است که بر دانه ها و خود تسبیح مترتب است. موضوع امامت و ولایت نیز اصلی ترین جایگاه رادر زندگی و جامعه ی اسلامی دارد. لذا حضرت امام خمینی (ره) در کتاب«ولایت فقیه” آن را از مهم ترین وسایل دین و عملی ساختن حکم خدا در زمن می داند. ایشان تاکید فرموده اند: اگر می خواهید حاکمیت اسلام در جامعه بیش تر شود، ازامامت و ولایت به معنای صحیح و کامل آن، هر چه بیش تر سخن گویند و دفاع کنید.

حضرت امام رضا (ع) در مسر مسافرت مرو وارد نیشابو شد و قصد رفتن به نزد مامون داشت. اصحاب حدیث خدمت او گرد آمدند، عرض کردند:

ای پسر پیامبر! از شهر ما می روی و حدیثی برای ما روایت نمی کنی که از آن بهره مند شویم؟ حضرت (ع) که در عماری نشسته بود، سر خود را از محل بیرون کرد، فرمود: از پدرم موسی بن جعفر (ع) شنیدم که فرمود: از پدرم حضرت صادق (ع) شنیدم و هم چنین از آباء گرامی خود، یک یک نام برد تا به حضرت علی رسید که فرمود: از حضرت رسول (ص) شنیدم که فرمود: از جبرئیل امین شنیدم که گفت: از ذات الهی شنیدم که فرمود:”لا اِلهَ اِلا الله» دژ من است. پس هر که به دژ من وارد شود، از عذاب من ایمن خواهدبود»

وقتی مرکب به راه افتاد، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) نداداد:”کلمه ی توحید با مقررات و شروطش قلعه ی الهی است و من از شرایط آن هستم.»

جمله ای که دراین روایت شایان توجه و دقت می باشد، این است که امام هشتم (ع) می خواهد به اصحاب حدیث و جامعه ی مسلمین بفهماند که اقرار به کلمه ی توحید هنگامی می تواند به عنوان قلعه ی محکم شما را تحت مصونیت الهی قرار داده، نجات بخشد که جامعه به دست حاکم راستین اسلامی اداره شود، و حکومت، حکومت حق باشد و مردم که تمام مقررات آن حکومت علاقمند و وفادار باشند.

فرمایش امام هشتم (ع) در روایت مذکور، نشانه ی ارتباط ولایت است با اصل توحید. گویی هر دو با هم آمیخته و هماهنگ است و این ویژگی بزرگ جهان بینی است که توحید آن حاکمیت است و حاکمیت آن توحید.

نمازهای پنجگانه

پس از معرفت و توحید الهی، و اعتقاد به امامت و ولایت، (که محصول معرفت است) عبادتی، بالاتر از نمازهای پنجگانه نیست. زیرا نماز، به واسطه ی این دو عامل روح پیدا می کند و به نماز گزار نور و پاداش می دهد تا وی درجات را یکی پس از دیگری طی کند.

امام رضا (ع) فرموده است:”بدان که برترین واجبات، پس از معرفت خدای عزو جل، نماز های پنجگانه است.»

هرگاه نماز روح پیدا کرد، آنچنان مزیتی می یابد که: یاد حق رادر نمازگزار زنده نگه می دارد. راه ملکوت را برای او باز می کند. یک نهر روان و چشمه کوثری می شود که نمی گذارد وی آلوده بماند.

هر یک از نمازهای پنجگانه اسرار مخصوص به خود دارند که انواع خیرات را بر سربر نمازگزار نازل کرده، تا وی نمازش را به پایان رساند.

هرگاه نمازگزار مشمول این خیرات شود هرگز گرفتار تکاثر و فزون طلبی نخواهد شد، و چنان دید وسیعی پیدا می کند که هرگز محبوب راستین خویش را رها نمی نماید و جز طلب رضایت او چیزی نمی طلبد. او وظایف بندگی خود را نسبت به خالق متعال انجام می دهد و در همان حال از خود شرمسار و با خلق خدا(از هر طبقه که باشد) مهربان است و درباره ی همه آنها خیر خواه. مسلماً چنین نمازگزاری راه سعادت را بدست آورده است.

امام رضا (ع) فرموده است:”همانا خداوند عزوجل در شبانه روز هفده رکعت نماز بر مردم واجب کرده است. کسی که آن را به جا آورد، خداوند غیر از نماز از او سوال نمی کند.»

امام هشتم (ع) درتقاضای نورانی خود به پیشگاه پروردگار این چنین معروض داشته است:”خدایا، هر احسان و کار خیری که به من رسیده است در اثر لطف و احسان و برکت شما است نه خودم در رسیدن به آن کار خیر سهمی داشته ام و نه دیگران، و هر قصوری که از من صادر شده است، مال خود من است و دیگران نقشی ندارند.سپس عرض می کند: خدایا تمام اهل ایمن در شرق و غرب عالم رابیامرز.»

والاترین درجه ی بندگی از دیدگاه امام رضا (ع)

عبادت درجات فراوانی دارد. هر چه اشتیاق انسان به عبادت بیش تر شود، این حال توجه و اشتیاق و احساس انس آن چنان پویا می شود، که سبب می گردد فرد درجات کمال را یکی پس از دیگری طی کند و تا آن جا پیش رود که خود را وقف حق تعالی نماید و خواسته ای جز خواسته ی او نداشته باشد. زیرا او به مرحله ای رسیده که هر چه می بیند خدا است و بس. امام رضا (ع) فرمود:”اگر خداوند مردم را (به آرزوی رسیدن) به بهشت امیدوار نمی کرد، و (به ترس) از دوزخ بیم نمی داد. حقیقتاً برای انسان ها لازم بود که مطیع فرمان الهی باشند، و از قانون الهی تخلف ننمایند. زیرا خداوند بندگانش را از نعمتهای بیشماری برخوردار کرده، و به آنها احسان نموده است. هم چنین به ایشان قبل از این که درخواست(هر گونه) نعمت کنند، انواع فراوانی از نعمتها عطا فرموده، که استحقاق و شایستگی آن را نداشتند.”

یکی از دانشمندان گفته است:”کسی که روحش از دوست خدا لبریز باشد، در ستایش و پرستش او، بی اختیار است، خدا را می پرستد نه به امید ثوات، و نه از بیم عقاب، بلکه فقط برای خدا، کسی که به امید ثواب، یا بیم عقاب، کار خوبی را انجام می دهد و از گناهی چشم می پوشد، نمی تواند مغرور باشد، و به دیگران زهد بفروشد. چنین کسی را نمی توان در ردیف مردان خدا شمرد. تاجری است که برای و زیان خویش کار می کند، و مزدوری است که به انتظار مزد رنج می برد.

گرچه این قابل تمجید است و با در نظر گرفتن کسانی که از نادانی تیشه ریشه خود می زنند، و روح خویش ا از دود گناه سیاه می کنند، و هیچوقت به پرسش خداوند قیام نمی نمایند، می توان اشخاص مزدور را که فقط به ثواب و عقاب توجه دارند، در ردیف خوبان به شمار آورد.

ولی بدون تردید چیزی که موجب نیکوکاری آنها شده، فوق العاده کوچک و ناچیز است، چه خوش بود اگر نظر خود را از این مرحله فراتر می بردند، و خدا را فقط به این جهت که سزاوار پرستش است می پرستیدند.

آنهایی که روح خویش را در راه ظرافت و جمال فرسوده می کنند از این کار انتظار نفع ندارند، بلکه منظور دیگری دارند عالی تر که با اغراض مادی آلوده نشده است. زیبایی را جستجو می کنند، ظرافت رادوست دارند، و می خواهند مرغ خوش خط و خال جمال را به دام خیال در آورده به دیگران نشان دهند. چه خوب است که ما نیز در راه دین، مثل ارباب هنر باشیم، و روح خود را از آلایش اغراض مادی بشنوییم، و در پرستش خداوند منظوری جز تقدیس جمال ابدی نداشته باشیم. این است دین حقیقی که می تواند روح ما را به اوج کمال برساند.”

فلسفه ی نماز از دیدگاه امام رضا(ع)

امام رضا (ع) در مورد علت و حکمت اقامه ی نماز به یکی از اصحاب خود نوشت:«همانا علت وجوب نماز، اقرار به ربوبیت پروردگار و کنار گذاشتن شرک و این که برای خداوند مثل و نظیری نیست. و ایستادن در برابر پروردگار با ذلت و بیچارگی، و خضوع و اعتراف به وحدانیت او پشیمانی و طلب توبه از گناهان گذشته، و گذاشتن صورت بر زمین در هر روزی پنج مرتبه برای تعظیم پروردگار. و این که بنده متوجه خدا باشد و او را فراموش نکند، و راه سرکشی در پیش نگیرد، و خاضع و خاشع و ذلیل و مشتاق و خواستار زیادتی توفیق در دین و دنیا باشد. به علاوه آثار دیگری که در نماز است. عبارتند از: از انزجار از غیر خدا و مداومت بر ذکر حضرت باری در روز و شب. زیرا بنده سید و مدبر امور و آفریننده ی خود را فراموش نکند. چون فراموشی یاد حق، سبب در پیش گرفتن راه سرکشی و طغیان است. هم چنین حکمتهای دیگری که در نماز است، این بنده به وظایف بندگی خود در پیشگاه خدای خویش، قیام کند و این عبادت او را از گناهان باز دارد ومانعی برای او را از گرایش به فساده و تبهکاری باشد.»

حقیقت نماز از دیدگاه امام هشتم (ع)

چگونه حق نماز را ادا کنیم؟

امام رضا (ع) فرموده است:”نماز، صله (پیوند) و موهبتی است از طرف خداوند مهربان برای بنده از راه رحمت و عنایت.

نماز، مطالبه وصال و راه رسیدن بنده به سوی خداوند است. البته هر گاه با نبت خالص وارد نماز شود، و با تعظیم و اجلال هر چه بیش تر برای خداوند تکبیر گوید، و قرائت را با ترتیل بخواند، و با خضوع رکوع را به جا آورد، و با تواضع سر از رکوع بردارد، و با ذلت و خضوع سر به سجده گذارد، و با اخلاص در حالی که امید به رحمت خدا دارد، تشهد خواند. سپس نمازش را با رغبتی تمام و با امید به رحمت بیکران الهی، سلام دهد، و به پایان رساند. و در حال بین ترس و امید، این فریضه ی الهی را به انجام رساند. پس هر گاه کسی نماز را با چنین آداب و شرایطی به جا آورد، حق نماز را ادا کرده است.

کیفر سستی ورزیدن در نماز

وجود انسان طعمه ی بسیار آماده برای نیرنگهای شیطان است. این موجود رانده شده که در آغاز خلقت انسان، او را فریب داد، واز نعمت بی پایان محرومش ساخت، طبق سوگندی که یاد کرده است هرگز دست از فرزندان آدم بر نخواهد داشت تا آنها را از هر طریقی گمراه کند. پس وجود هر انسان منزلگاه شیطان گناه است و خواهی نخواهی محکوم چنین سرنوشتی است. تنها چاره ی نجات از چنین خطری، آن است که آدمی با ذکر خدا و پناه بردن به او، در حوزه ی حفاظت حضرت باری تعالی قرار گیرد تا بتواند زنجیرهای اسارت شیطان را از هم بگسلد.

به پاداشتن نماز در وقت خود همراه با آمادگی و نشاط روحی، در حقیقت یک قلعه ی محکمی دور روح کشیده و به شیطان و لشکر او اذن دخول نمی دهد. و بدین وسیله نماز گزار را از شر شیطان گناه محفوظ خواهد داشت. بدون تردید هر کس در بجاآوردن نماز سستی ورزد، و آن را با حدود و شرایطش به جا نیاود، از یاد خدا و توجه به انجام مسئولیتهای فردی و اجتماعی و سعی و کوشش درتهذیب نفس باز می ماند، و این عامل سبب می شود که به تدریج صفات رذیله و اعمال او آشیانه کند و او را به سوی گناهان بزرگ کشاند، و راه اصلاح را برایش مشکل سازد.

از حضرت رضا روایت شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود:”تا وقتی که مومن نمازهای پنجگانه خود را به موقع و با شرایط به جا آورد، شیطان پیوسته از او خائف و هراسان است. ولی هر گاه وی نماز خود را ضایع نماید، شیطان بر او غالب می شود، و او را وارد گناهان بزرگ می نماید.»

امام رضا (ع) از پدرانش از رسول خدا (ع) روایت کرده که فرمود:”نمازهای خود را ضایع نکنید. زیرا هر که نماز را ضایع کند، با”قارون” و”هامان” محشور می گردد. و بر خداوند لازم است که او را وارد دوزخ کند، و با منافقان همنشین سازد. پس وای بر کسی که بر نمازهای واجب خود، و انجام سنت پیامبر (ع) مراقبت ننماید.»

آثار سازنده ی نماز از دیدگاه امام رضا (ع)

اساس دین و معیار قبولی

اهمیت نمازهای واجب، در میان عبادات به حدی است که در هیچ حالی از بنده ساقط نمی شود. حتی اگر وی قدرت به جا آودن آن را در حال ایستادن نداشته باشد. باید نشسته نماز بخواند، حتی اگر نشسته نتواند باید خوابیده نماز خواند، و اگر برایش حرکت دادن بدن و به جا آوردن آداب نماز میسر نیست، با حرکت چشم و ابرو مکلف به انجام آن است. در حال بیماری، در حال نزاع، در حال احتضار، و حتی در حال جنگ، هنگام مقابله با دشمن، تکلیف نماز از عهده ی کسی برداشته نمی شود.

فریضه ی نماز در بین فرایض از چنان موقعیت والایی برخوردار است که هیچ یک از عبادات به پایه ی آن نمی رسد، زیرا خداوند تمام جهات و شرایط خودسازی رادر نماز قرار داده است. بعلاوه شرایط بندگی پروردگار را به حد اعلا دارا می باشد. پس نماز رأس همه ی عبادات است و مقام جامعیت دارد. معجونی است جامع و در بردارنده ی سعادت بشر در همه ی مواقف و منازل دنیوی و اخروی. و پذیرش همه ی اعمال در گروه که هرگاه ثابت بماند، میخها و بندهای خیمه همگی ثابت و استوار خواهند ماند، و اگر آن ستون افتاد یا شکست نه دیگر میخی به جای می ماندو نه بندی، و در واقع خیمه ای سراپا نخواهد بود. اگر نماز هم با حدود و شرایط خود به جا آورده نشود، دیگر هیچ حکم و دستوری از احکام دین باقی نمی ماند و همگی درهم ریخته و نابود خواهد شد.

امام رضا (ع) از پدر بزگوارش روایت کرده است که امیرالمومنین (ع) فرمود:”شما را به نماز و مراقبت بر آن سفارش می کنم. زیرا که نماز بهترین کارها و ستون دین شماست.»

هم چنین فرمود:”اولین موضوعی که در روز قیامت، آدمی مورد سوال قرار می گیرد، نماز است. اگر درست به جا آورده شود، سایر اعمال نیز مورد صحت واقع شود. و اگر نماز مردود شود، سایر اعمال هم از درجه ی ارزش و قبولی ساقط است.

«مرحوم استاد شهید مطهری”فرموده است:”نماز قطع نظر از هر چیزی طبیب سرخانه است یعنی اگر ورزش برای سلامتی مفید است اگر آب تصفیه شده برای هر خانه ای لازم است. اگر هوای پاک برای هر کس لازم است اگر غذای سالم برای انسان لازم است نماز هم برای سلامتی انسان لازم است شما نمی دانید اگر انسان در شبانه روز ساعتی از وقت خودش را اختصاص به راز و نیاز با پروردگار بدهد، چقدر روحش را پاک می کند! عنصرهای روحی موذی به وسیله ی یک نماز از روح انسان بیرون می رود.»

رهبر فقید انقلاب اسلامی، ایران، مرحوم امام خمینی (ره) فرموده است: «نماز پشتوانه ی عظمت است، نماز یک کارخانه ی انسان سازی است. نماز خوب، فحشا و منکر را از یک ملت بیرون می کند. اینهایی که مراکز فساد کشیده شدند، بی نمازها هستند. ما با ذکر خدا پیش بردیم، و نماز بالاترین ذکر خداست. شیطانها از مساجد و نماز می ترسند. آنها می خواهند از نماز جلوگیری کنند و بعد از خالی کردن سنگرها حمله کنند.»

برترین ابزار بندگی

یکی از بزرگترین و عالی ترین ارزشهای انسانی”آزادی معنوی”است. انسان هنگامی می تواند به این هدف عالی دست یابد که بر نفس و قوای نفسانی خویش غالب گردد. و بین تمام تمایلات جسم و روح و تعادل بر قرار نماید. بندگی خدا و پیمودن صراط قرب به حق، (از راه نماز) گوهر ارزنده ای است که چنین توفیقی را برای بشر به ارمغان می آورد.

گناهانی که انسان مرتکب می شود، هر کدام غل و زنجیری از برای او می سازد؛ و دست و پای او را در آن سخت می بندد. ولی به پاداشتن نماز، خلوت نمودن، راز و نیاز و سوز و گداز با آفریننده ی جهان، نماز گزار را از قید تعلقهایی که بین او و جهان طبیعت است، آزاد می کند و آنچنان به وی توان روحی می بخشد که احساس آرامش و سبکباری نماید. و در واقع نماز راستین است که با نشان دادن دو اصل کلی به نمازگزار سرچشمه ی کوثر رادر دل او جاری می سازد. یکی اینکه به طبیعت مادی دل نبندد، و دیگر آن که از ماوراء طبیعت نترسد.

امام رضا (ع) فرمود:”همانا نماز، بهترین وسیله ی بندگی برای خداست.» امام خمینی (ره) فرموده است:

«اگر آن چه از راه عبودیت خدا نشان وارد شد در جامعه یا نظر انداخت به امور، این از این راه و از این کانال وقتی واقع شد، کارهایش همه الهی می شود. انسان اگر عبودیت خدا را فقط، بندگی خدا را فقط بپذیرد، و از عبودیت سایر اشخاص احتراز کند، از کانال عبودیت خدا در دنیا وارد بشود؛ در صنعت وارد بشود، از کانال عبودیت خدا مدرسه برود. در وزارتخانه وارد بشود، در جامعه وارد بشود، هر کاری که انجام بدهد عبادت است، برای اینکه مبدأ عبودیت خداست.

شما ملاحظه کردید که در قرآن شریف و همین طور در نماز وقتی که می خوانید نماز را، نسبت به رسول اکرم”عَبدُهُو رَسوُلُهُ» عبد را بر رسالت مقدم داشتند و ممکن است که اصل این اشاره به این باشد که از کانال عبودیت به رسالت رسیده است، از همه چیز آزاد شده است و عبد شده است. عبد خدا نه عبد چیزهای دیگر:

دو راه بیش تر نیست یاعبودیت خدا یا عبودیت نفس اماره. این دو راه است. اگر انسان از عبودیت دیگران آزاد بشود و عبودیت خدا را بپذیر د. که لایق این است که انسان عبد او باشد، کارهایی که انجام می دهد، انحراف ندارد، یعنی انحراف عمدی نخواهد کرد. تمام اینهایی که انحرافی هستند چه عقاید انحرافی، و چه اعمال انحرافی، و چه قملهای انحرافی، چه نطق های انحرافی، اینها برای این است که از کانال عبودیت”الله» عبور نکرده اند. اینها بنده ی هواهای نفسانی هستند.”

پرورش فضایل و کمالات اخلاقی

هر نماز، با توجه به حالاتی که نماز گزار از آن برخوردار است، تاثیرات آن سلسله مراتب و درجاتی دارد. برای افراد بی بند و بار آلوده به گناه، تاثیرش کم و برای کسانی که از روح تقوا برخوردارند، اثرتربیتی آن به مراتب زیادتر و نیرومندتر است.

امام رضا (ع) فرمود:”نماز، قربان (عامل تقرب) هر فرد با تقوا است.» «قربان” عبادت از هر عمل نیکی است که انسان به وسیله ی آن بخواهد خود را به رحمت خدا نزدیک کند تا رحمت حق شامل حال وی گردد.

«قربانی هر نماز گزاری نماز اوست، هر عملی که انسان را به خدا نزدیک کند قربانی او می شود، تنها کشتن گوسفند در روز دهم ذی الحجه در سرزمین منی قربانی نیست. هر عملی که انسان را به خدا نزدیک کند”قربانی” است. اگر عمل به خدا نزدیک شود عامل نیز به خدا قطعاً نزدیک می شود. چنین نیست که عمل از عامل جدا باشد، اعمال ما، نیات ما و ارادات ما از ما جدا شود، و به خدا برسد و ما به خدا نرسیم و به لقای حق نایل نشویم. اگر نماز قرب به حق است، نمازگزار هم به خدا نزدیک خواهد شد.» تاثیر نماز درباره ی نماز گزار تنها به صورت یک زمینه است، نه علت تامه. بدین معنا که نقش بازدارندگی نماز از گناهان برای نمازگزاران به این نیست که ایشان رادر برابر تمام گناهان مصون دارد، بلکه مقصود این است که آنها را به یاد خدا می اندازد و به مقام ربوبی او متوجه می نماید. و اثر طبیعی یک چنین توجه ها این است که زمینه ی روح اطاعت و ترک گناه پدید می آورد. ولی در عین حال، چه بسا ممکن است بر اثر ضعف توجه به خدا، عوامل نیرومندتری اثر آن را خنثی سازد. بنابراین بازدارندگی نماز از گناه برای نمازگزازیک نقش اقتضایی است و به صورت علت تامه نیست که هر جا وجود داشته باشد، نتیجه و معلول آن هم به دنبالش باشد.

تاثیرات فراوان ونیرومند نماز و دریافت فیوضات ربانی برای نماز گزار به هنگامی حاصل خواهد شد که نمازگزار با تمام وجود و با تمام اخلاص و توجه به الفاظ و معانی به خدا روی آورد، ودراسرار و رموز آن تفکر و تامل نماید، و از همه چیز جز پروردگار عالم قطع علاقه و ارتباط کند. مسلم است این تاثیر زمانی محقق خواهد شد که نمازگزار دارای روح تقوا باشد.

اینگونه نماز است که حقیقتاً سبب تقرب به حق، و سعادت انسان می گردد.

شرایط قبولی نماز از دیدگاه امام هشتم(ع)

شرط اعتقادی (معرفت و آگاهی)

شرط اخلاقی (صفا و پاکی دل)

شرط بهداشتی (نماز با مسواک و بوی خوش،لباس تمیز و مرتب)

شرط خانوادگی (حسن رابه با خانواده، ارحام، خویشاوندان)

شرط اقتصادی (ادای حق مردم)

شرط اجتماعی (دور بودن از منکرات)

شرط سیاسی (امامت و ولایت)

پرهیز از حالت افراط و تفریط در زندگی (برقراری توازن و تعادل بین امور دنیوی و اخروی)

استمداد از خداوند برای دوام توفیق

زدودن آفات

- رفت و آگاهی)(برقراری توازن و تعادل بین امور دنیوی و اخروی)مه چیز جز پروردگار عالم قطع علاقه و ارتباط کند. 1- شرط اعتقاد (معرفت و آگاهی)

در متون دینی، مکرر به این حقیقت اشاره شده است که آن چه به عمل اثر می بخشد، و ارزش را بالا می برد، علم و معرفت است. حتی رسول اکرم (ص) که با وحی و اهام سرو کار دارد. طبق فرمان الهی موظف است که از خداوند افزایش معلومات خود را بخواهد.

«صفوان بن یحیی» از امام رضا (ع) پرسیدم:

«آیا برای بندگان توان و قدرتی است که به معرفت و شناخت (نهایی) برسد؟»

حضرت فرمود: نه

عرض کردم:”آیا بندگان در معرفت و شناخت خدا پاداشی دارند؟»

حضرت فرمود:”آری، خداوند بر بندگان منت گذاشته و نعمت شناخت و نعمت درستی (تشخیص)، و پاداش را به آنان ارزانی داشته است.”

امام ر ضا (ع) فرموده است:”دانش موجب حیات و زندگی دلها از نادانی، و روشنی چشمها از تاریکی، و نیرومندی بدنها از ناتوانی است،. .. بوسیله دانش خداوند شناخته و عبادت می شود.»

راه های کسب معرفت:

الف- تعقل (پیروی ازعقل)

امام رضا (ع) فرمود:”دینداری که فاقد قوه تعقل باشد، پرستش او مورد توجه و اعتبار قرار نگیرد.»

ب- تعبد(پیروی از سنت)

امام رضا (ع) فرموده است:”خدا امر دینش را به پیغمبر واگذار نمود، و فرمود: آن چه پیغمبر به سوی شما بیاورد، اخذ نمایید و عمل کنید، و آن چه شما را از آن نهی نماید، ترک کنید، اما خلق کردن و روزی دادن را به او نگذاشت، بعد از آن فرمود:”خدا آفریننده ی همه چیز است». چنآن چه در قرآن می فرماید: آن خداوندی که شما را خلق کرد پس روزی داد، بعد از آن می میراند شما را پس زنده می گرداند. آیا آن شریکهایی که از برای خدا قائل می شوید هیچ یک از این کارها می تواند کرد، منزه و متعالی است خدا از آن چه ایشان شریک او می گردانند.

امام رضا (ع) فرمود:”مردم در طریق زندگی، پیرو مایند. دراین که پیروی ما بر آنها واجب است. هر کس که حاضر است، به غایبین برساند.»

مراتب معرفت

امام رضا (ع) فرموده است:”سر آغاز پرستش پروردگار معرفت اوست، و اساس معرفت باریتعالی یگانه دانستن خداست. و نظام و ثبات توحید منوط به این است که صفات را از او نفی نمود(صفات خدا مانند مخلوقات زاید بر ذات نیست) زیرا همه عقول گواهی می دهند که هر صفت و موصوفی مخلوقند، و هر مخلوقی هم شهادت می دهد که آن را خالقی بوجود آورده است که خود آن خالق نه صفت است و نه موصوف، زیرا هر صفت و موصوفی به سبب اقتران و پیوستگی با هم گواهی دهند که حادث اند.(قبلاً نبودند و سپس بوجود آمده اند) و حدوث و پدید آمدن چیزی دلیل امتناع آن از ازلیتی است که ممتنع از حدوث است(چیزی که حادث شد محال است که قد یم و ازلی باشد همچنان که ازلیت و قدم با حدوث منافات دارد).”

ارزش معرفت الهی

امام رضا (ع) فرموده است:”اگر مردم ارزش معرفت الهی را می دانستند، هیچگاه چشم نمی دوختند بدآن چه خداوند به دشمنان خود داده است از پیرایه های زندگی دنیا و نعمتهای آن.

و دنیای آنها (یعنی دشمنان خدا) در نظر ایشان پستر بود از آن چه را که در زیر پای خود لگد کنند، و از معرفت پروردگار همانند کسی که پیوسته با دوستان خدا در بهشت بوده، لذت می برند.

براستی که معرفت خدای عز و جل آرام بخش و حشتها، همدم تنهاییها، روشنایی تاریکیها، نیروی ناتوانیها، و درمان هر دردی است.»

شرط اخلاقی (صفا و پاکی دل)

نمازگزار واقعی، سعی می کند دل را از هر فکر و ذکری به غیر دوست خالی کند، و این درجه ای است بس بلند و پایه ای است بسیار ارزشمند. که هر کس به سادگی به این درجه نتواند رسید.

امام رضا (ع) فرموده است:”خوشا به حال کسی که پرستش و نیایش خود رابرای خدا خالص گرداند، و قلبش را به وسیله ی آن چه دیدگانش می بیند، مشغول نکند، و یاد خدا را به وسیله ی آن چه گوشهایش می شنود از یاد نبرد، و دلش به خاطر آن چه به دیگران عطا شده، اندوهگین نشود.»

«قهراً اگر ما از نماز این طهارت را احساس نکردیم باید بپذیریم که آن نماز واقعی را نخوانده ایم. ممکن است نمازمان صحیح باشد. لکن مقبول نیست، زیرا آن نمازی مقبول است که روح انسان را تطهیر کند و با انسان سخن گوید: و او را مژده دهد...»

شرط بهداشتی (نماز با مسواک و بوی خوش، لباس تمیز و مرتب)

امام ر ضا (ع) فرموده است:”دهانهای شما راه هایی از راه های (تقرب به)پروردگارتان است. پس آن را پاکیزه سازید.»

«نه فقط دندان را با مسواک پاک کنید، هم دندان را، هم زبان را، هم فضای دهان را، هم از خوردن غذای شبهه ناک بپرهیزید که غذای شبهه ناکی در دهان وارد نشود و هم از گفتن حرف مشکوک بپرهیزید. که از دهان حرف مشکوکی صادر نشود.»

«حضرت رضا(ع) کیسه ی چرمی داشت و در میان آن پنج عدد چوب مسواک بود. بر روی هر یک از آن نام یکی از نمازهای پنجگانه نوشته شده بود که در هنگام شروع هر نماز، با همان مسواکی که نام آن نماز در آن نوشته شده بود، مسواک می کرد.»

امام رضا (ع) بعدمسواک،”کندر” می جویدند، تا دهانشان خوشبو شود.

امام رضا (ع) فرمود:”استعمال بوی خوش از اخلاق پیغمبران است.»

امام رضا(ع) فرمود:” از نشانه های خلق پیامبران، نظافت و رعایت قوانین بهداشت است.»

از امام رضا سوال شد:” مراد از زینت در آیه”زینتهای خود رادر هنگام عبادت برگیرید» چیست؟

حضرت فرمود:” یکی از زینتها، شانه زدن به هنگام هر نماز است.»

یکی از اصحاب امام رضا (ع) می گوید:”امام رضا را دیدم با شانه از جنس عاج شانه می کرد.»

«معمّربن خلاد» از امام رضا (ع) چنین نقل کرده است:”شایسته نیست انسان استعمال بوی خوش را در هر روز ترک کند، اگر هر روز برایش ممکن نیست، لااقل یک روز در میان عطر بزند، و اگر این مقدار هم نمی تواند، هفته ای یکبار (در هر روز جمعه) عطر بزند، و این کار راترک نکند.»

شرط خانوادگی (حسن رابطه با خانواده، ارحام و خویشاوندان)

عقل انسان حکم می کند که در برابر نیکی دیگران باید به آنها نیکی کرد و نیکی کننده را باید دوست داشت و پیوسته او را ستایش کرد. بر طبق همین حکم عقل، یکی از اصول مسلم علمی این است که”شکر منعم واجب است» بر این اساس، هر نوع احسانی که دیگران درباره ی ما می کنند(مخصوصاً پدر و مادر) باید مجرای ان همه الطاف خیر را از طریق حق تعالی بدانیم و شکر وی را به جا آوریم و در برابر خدمات و نیکی هایشان محبت خویش را بی دریغ نثار آنان نماییم.

امام رضا (ع) فرمود:” کسی که شکر نعمت مخلوق را ادا نکند، شکر خداوند خالق را ادا ننموده و به جا نیاورده است.»

هم چنین فرمود:« هر که شکر پدر ومادر را به جا نیاورد، شکر و سپاس خدای را بجا نیاورده است... هر که صله ی رحم نکند، حق تقوای الهی را رعایت نکرده است.»

امام رضا (ع) فرموده است:”در قیامت آن کس به من نزدیکتر است که در دنیا خوش اخلاق تر، و نسبت به خانواده ی خود نیکوتر باشد.»

شرط اقتصادی (ادای حق مردم)

امام رضا (ع) فرمود:” نماز افرادی که زکات مال خود را نپردازند، پذیرفته نیست.»

هم چنین فرمود:”مردم هر سود و فایده ای که می برند، خواه کم یا زیاد، باید خمس آن را به نیازمندان بپردازند.»

« هر کس به روزی در حد کفایت سازگاری داشته باشد، خداوند هم به عمل اندک او ر ضایت می دهد، و هر کس با دارایی اندک حلال بسازد خرج او سبک می شود، و خانواده اش هم آرامش خواهد داشت و برای شناخت دردها و داروهای دنیا دارای بصیرت و بینش می گردد، و با یک زندگی سالم و پاک روانه ی دارالسلام خواهد شد.»

شرط اجتماعی (دوری از منکرات)

پرهیز از اشتغال به لهو

از حضرت امام رضا(ع) درمورد شنیدن غناءسوال شد. حضرت فرمود: اهل حجاز جایز می دانند و آن باطل است و لهو است. نشنیده ای که خداوند در مدح بندگان شایسته ی خود فرموده است:”هر گاه به لغو می گذردند، با کرامت نفس و بزرگواری از آن گذشته، و گوش نمی دهند.»(سوره فرقان آیه 72)

پرهیز از بی تفاوتی به حال اجتماع

امام رضا (ع) فرموده است: از رسول خدا(ص) پرسیدند: آیا در مال جز زکات حقی هست؟

فرمود: آری !

نیکی کردن به خویشاوندی که از تو روگردان شود، و رسیدگی به همسایه ی مسلمان. هر کس سیر بخوابد، در حالی که همسایه اش گرسنه است، به من ایمان نیاورده است.

آنگاه فرمود: جبرئیل چندان درباره ی همسایه به من سفارش کرد که گمان کردم (همسایه از همسایه) ارث می برد.»

شرط سیاسی (امامت و ولایت)

امام رضا (ع) در تفسیر آیه”اگر نمی دانید، از اهل اطلاع بپرسید.»

فرموده است:”ما خاندان اهل ذکریم، و از ما باید سوال شود.”

هم چنین فرمود:”کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و بسیار شدن غنمیمت و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف بوسیله ی پیروی از امام است.»

 امام رضا (ع) فرموده است:”کسی که دوست دارد بین او وخدا هیچ حجابی نباشد به طوری که او خدا را ببیند و او را نظر کند، باید آل محمد (ص) را دوست داشته، و از دشمنان آنها بیزاری جوید. و به امام آنها اقتدا نموده و پیروی نماید. در این صورت خداوند به او نظر می کند، و او به مقام ملاقات و دیدار خدا می ر سد.»

«از این روایت استفاده می شود که اصلاً مقام لقاء خدا بدون تبعیت از امام صورت نخواهد گرفت و عاشقان و سوختگان بارگاه عزّش تا سر تسلیم در حرم امامش نسپرند به عزّ وصول و مقام دیدار نایل نخواهند شد. لذا می بینیم که بسیاری از سالکین و عاشقین که در بدو سلوک از عالم تشیّع محروم بوده اند چون دارای نیّت صادقانه بوده و بدون عناد و لجاج سلوک کرده اند در عاقبت امر مطلب بر آنها مکشوف شده است. آنها مقام ولایت را اعتراف و از شیعیان پاک گشته اند، و اگر چه در زمان تقیه می زیسته اند. ولی از کلمات و اشارات، بلکه بعض از تصریحات آنها از شادباش به مقام حق مشهود است.»

پرهیز از حالت افراط و تفریط در زندگی (برقراری تعادل و توازن بین امور دنیوی و اخروی)

اساس و شالوده ی احکام و قوانین دین مقدس اسلام متین و استوار است عبادات نیز در آیین اسلام تا آن جا مطلوب شارع است که به هر یک از تمایلات مشروع انسان پاسخ صحیح داده شود، و هیچکدام از نیازمندیهای مادی و معنوی فدای یکدیگر نشود. عبادت خدا، اگر با افراط همراه گردد باعث بی رغبتی به دین می شود چنآن چه تفریط هم پسندیده نیست.

تحمیل انجام مستحبات و ترک مکروهات به نفس، گه گاه به روح ملایم و لطیف انسان زیان می رساند و او را از عبادت بیزار می نماید.

احتیاط های بیش از حد علمی و عملی نیز ممکن است چنین تاثیر نامطلوبی را به همراه داشته باشد. در حالی که دین مقدس اسلام در همه حال سبکباری رابرای بشر به ارمغان آورده است.

قرآن می فرماید:”خداوند می خواهد کار دین را بر شما سبک کند و انسان ضعیف آفریده شده است.»

تمام دستورات اسلام، برای برقراری پیوند میان جسم و جان ماده ومعنا وضع شده است. و احیای ارزشهای اخلاقی، و سجایای انسانی و پاکسازی جامعه از کارهای زشت، هرگز مسلمانان را از توجه به بهزیستی جسمی و بهره گیری از لذایذ (به استثنای اعمال نا مشروع که ویران گر بنیادی اخلاقی و ارزشهای معنوی و روحی است) بازنداشته است.

امام رضا(ع) فرموده است: از لذایذ دنیوی بهره ای برای کامیابی خویش قرار دهید، تمایلات مشروع خود را برآورده سازید. مراقبت کنید در این کار به مردانگی و بزرگواریتان آسیبی نرساند و دچار اسراف و تند روی نشوید. برخورداری از مشتبهات و لذایذ مشروع، شما رادر اداره ی زندگی یاری می کند و با کمک آن بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهید شد.»

امام خمینی (ره) فرموده است: «وقتی که ما می خواهیم جهات معنوی را بکنیم در مادیات، و مادیات را به طرف معنویات بیاوریم، این”سیرالی الله” است. البته کار مشکلی است. ولی اینطور نیست که نشود. وقتی که انسان وارد عمل شد موفق می شود.”

استمداد از خداوند برای دوام توفیق

کمال بندگی حق دراین است که اولاً: انسان در برابر انجام وظایف بندگی استقلالی برای خود نبیند، و خویشتن را هر لحظه نیازمند و وابسته به خداوند بداند، و از او توفیق بطلبد. مسلم است هر قدر خود را نیازمند تر و حقیرتر بیابد، به خداوند نزدیکتر خواهد شد.

ثانیاً: سعی کند از عبادت لذت ببرد. معمولاً انسان از کاری که برایش لذت آور نباشد زود خسته می شود. شیرینی موجب می شود که انسان بیش تر به آن علاقه مند گردد. و این لذت و شیرینی جز با ترک گناه حاصل نمی شود. هر که شیرینی عبادت رادریابد، و برکات آن را بنگرد و به نور آن دل خود را روشن سازد، هرگز از آن دست نمی کشد و هیچ لذتی را بر آن مقدم نمی دارد. البته دراین ره باید چنان رفت که اولیاء راستین الهی رفتند و این راه را طی نمودند.

امام رضا (ع) فرموده است:

خداوند می فرماید:”ای فرزند آدم! به مشیت و اراده من است که به هر چه خواهی توانی رسید، و به کمک نعمتهای من است که موفق به اداء واجبات خواهی شد، و به سبب قدرت من بر معصیت الهی نیرو می یابی. من تو را شنوا و بینا آفریدم، من در انجام نیکی ها به تو شایسته ترم، ولی تو در ارتکاب گناهان (نسبت) به من سزاوارتری.”

امام ر ضا (ع) فرموده است:”ای مردم! با شکر و طاعت و سپاس خود از خداوند بخواهید تا نعمتهای خود را از شما دریغ ندارد، و براحساس و انعام خود افزوده کند.»

زدودن آفات

باآن که عبادت غذای روح و لذت جان است ولی باید متوجه بود که این غذای روحانی با آفاتی همراه نشود، زیرا هرگاه چنین گردد، عبادت همچون پوست بی مغز، خشک و جامد شده، و اثر سازنده ی خود را از دست خواهد داد.

همانگونه که دانه ای که در دل خاک افشانده شود، به شرطی تبدیل به خوشه می گردد که شرایطش موجود باشد و مانعی پیش نیاید، وگرنه بسیار دانه ها که سبز نمی گردد زیرا شرایط پرورش و رشدش موجود نیست یا مانعی در کار است.

همینطور بسیاری از عبادتهاست که آدمی را به مرحله ی سعادت و کمال نمی رساند زیرا یا شرایط آن موجود نیست یا موانعی بر سر راه وجود دارد، که نمی تواند عبادت به ثمر برسد.

« ممکن است برخی آداب قلبی نماز برای نمازگزار حاصل شود، ولی از طریق”انانیّت” (نفس پرستی) مورد تصرف شیطان واقع شود، و این غذای روحانی مسموم گردد، و اثری معکوس بخشد مانند غذای جسمانی که در صورت مسمومیت اثرش معکوس است.»

«بالاترین ظلمت ها، ظلمت”انانیّت” است و اگر چنآن چه از این ظلمت خارج نشویم، از این چاه خارج نشویم، و از انانیّت بیرون نرویم، از این توجه به خود و خودخواهی و اینکه دیگران را هیچ و خود را همه چیز بدانیم الهی نخواهیم شد...»

« ابوسفیان هم نماز می خواند، معاویه هم امام جماعت بود. ظواهر همان ظواهر است. اما آن چه این نماز را بالا می برد، آن روحی است که دمیده می شود به نماز، آن روح اگر باشد نماز بالا می رود، و نماز الهی می شود.”

« انسان کامل است کسی که بخواهد کمال پیدا کند. باید این هجرت را بنماید. کسی که بخواهد از انانیت بیرون شود، باید مجاهده این هجرت را بکند.”

شرایط کمال نماز از دیدگاه امام هشتم (ع)

از امام هشتم (ع) درباره”کیفیت نماز کامل” سوال شد، حضرت فرمود:” نماز کامل (که نمازگزار را از فحشا و منکر باز میدارد) نمازی است که دارای شرایط زیر باشد:

حضور قلب

فراغت جوارح و اعضاء از هر چیز (غیر از یاد خداوند)

با کمال ذلت و خاکساری در برابر خداوند ایستادن

رسیدن به مرتبه یقین، که نمازگزار فرض کند. بهشت در طرف راست، جهنم سوزان در جانب چپ، صراط پیش رو، ذات اقدس الهی در مقابلش قراردارد.»

لزوم حضور قلب در نماز و تاثیر آن در تعادل نماز گزار

در دل انسان، آتشهایی از تمایلات و کششهای گوناگونی وجود دارد، که به وی اجازه نمی دهد با رسیدن به هر نعمتی سیر شود. هر یک از هوسها مانند هیزم خشک شعله ی این آتش را فزونتر می کند.”مال” و”منال” و”جاه” و”کامجوییها” نه فقط این عشق سوزان را سیر نمی کند، بلکه بر گرسنگی و اشتهایش می افزاید و تشویش آن رازیادتر می کند.

نماز با حضور قلب است که همچون آب، این اخگر سوزان را سکون و قرار می بخشد، و هیچ چیز دیگر این اخگر طلوع را خاموش نمی کند. خداوند می فرماید:

«انسان حریص و کم طاقت آفر یده شده است. هنگامی که بدی به او رسد، بسیار جزع و بیتابی می کند، و هنگامی که خوبی (نعمت) به او رسد از دیگران دریغ می دارد، مگر نمازگزاران.»

سیره و روش حضرت رضا (ع)

سیره ی عبادی:

تقوا و اطاعت از خدا:

رجاء بن ابی ضحاک سرپرست کسانی که امام رضا (ع) را از مدینه به خراسان آوردند، ضمن بیان شرح مفصلی از حالات و عبادات شبانه روزی حضرت رضا (ع) در مسیر راه، می گوید:”سوگند به خدا مردی را ندیدم که از حضرت رضا (ع) باتقواتر باشد و در همه ی اوقات، بیش تر از او به یاد خدا باشد و بیش تر از او دارای خوف و ترس از خدا باشد.”

مامون نیز پس از شنیدن شرح عبادت ها و اخلاق و صفات پسندیده ی امام رضا (ع) از رجاء بن ابی ضحاک خطاب به او می گوید: ای پسر ضحاک،”این شخص (امام رضا علیه السلام) بهترین خلق روی زمین و داناتر ین و عابدترین ایشان است»

2- نماز اول وقت:

شخصی می گوید: در خراسان در خدمت حضرت امام رضا(ع) بودم. ایشان برای استقبال بعضی از افراد خاندان ابوطالب (آل ابوطالب) خارج شدند، سپس چون وقت نماز فرارسید، آن حضرت به طرف قصری که در ان اطراف بود، حرکت فرمودند و نزدیک آن قصر در کنار یک سنگ بزرگ توقف کردند. آنگاه فرمودند: اذان بگو. چون تنها من همراه ایشان بودم و شخص دیگری با ما نبود، عرض کردم: کمی صبر کنید تا یاران ما برسند. فرمودند: نماز را بدون علت (موجه و شرعی) که برایت پیش آمده باشد. از اول وقت تاخیر مینداز، ابتدا کن به اول وقت (یا بر تو باد همیشه به اول وقت). پس من اذان گفتم و نماز را به جای آوردیم.

در یک جلسه ی مناظره در حضور مامون، عمران صابی از دانشمندان بسیار مطرح در بحث و کلام، درباره ی توحید به مباحثه با امام رضا (ع) پرداخت و آن حضرت نیز، با استدلال محکم جواب همه ی سوال های او را به خوبی می دادند. بحث و مناظره به اوج خود رسیده بود و چیزی نمانده بود که آن فرد حقیقت را قبول کند و اسلام آورد.در همین هنگام، وقت نماز ظهر رسید. امام (ع) رو به مامون فرمودند:”وقت نماز ظهر فرارسیده»

عمران صابی گفت: ای آقای من، دنباله ی بحث را قطع مکن چرا که دل من رقیق و نازک شده (و نزدیک است مطلب را قبول کنم).

امام رضا (ع) فرمودند:”نماز می گذاریم و بر می گردیم.” سپس آن حضرت و همراهان برخاستند و نماز را به جای آوردند. پس از اقامه ی نماز به همان مجلس بازگشتند و به بحث و بررسی ادامه دادند. عمران صابی سوالات بسیاری کرد و پاسخ مناسب را از امام (ع) شنید.

در پایان آن حضرت به او فرمودند:”عمران، آیا فهمیدی؟» او گفت: آری ای آقای من، فهمیدم و شهادت می دهم که خدا همانگونه است که شما توصیف فرمودی و نیز شهادت می دهم که محمد(ص) بنده ی او می باشد که برای هدایت و با دینی بر حق برانگیخته شده است. آنگاه به قبله روی آورد، به سجده افتاد و اسلام آورد.

انس با نماز و مناجات:

اباصلت هروی می گوید: در سرخس به کنارخانه ای که امام رضا(ع) در آن حبس و تحت نظر بود رفتم واز نگهبان اجازه خواستم تا با امام (ع) ملاقات کنم. او گفت: نمی توانی با امام ملاقات کنی. گفتم: چرا؟ گفت: زیرا امام رضا (ع) در بیش تر اوقات شبانه روز مشغول نماز است و درهر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند. فقط ساعتی در آغاز روز قبل از ظهر و ساعتی هنگام غروب، نماز نمی خواند. در این ساعات هم در محل نماز خود می نشیند و با پروردگارش به مناجات و راز و نیاز می پردازد...(شهاب،1381،67-71)

نماز بر محور یقین

«همه چیز بر محور یقین به خداوند سبحان و محور کردن اسباب جهان تکوین از استقلال در تاثیر دور می زند، بنابراین هر قدر اعتقاد و ایمان انسان به قدرت مطلقه الهیه بیش تر گردد، اشیاء جهان به همان نسبت در برابر او مطیع و منقاد خواهد شد.”

همانا روزی من در فرع(روستایی واقع در مابین مکه و مدینه) بودم وقت نماز فرارسید. پس من پیاده به سوی بوته ی ثمامه رفتیم. وقتی به نماز ایستادم و رکعتی خواندم یک افعی نزدیک آمد و در کنارم قرار گرفت و من متوجه نماز شدم و از آن نکاستم. افعی به نزدیک من آمد و سپس به طرف بوته برگشت. وقتی از نماز فارغ شدم در حالی که دعا و تعقیبات نماز را نیز تخفیف نداده بودم (چیزی از آن را کم نکردم) بعضی از یارانم را که همراه ما بودند، فراخواندم و به آنها گفتم: پُشت سر شما زیر بوته افعی است. آنها حیوان را کشتند. آنگاه امام (ع) فرمود: هر کس غیر خدا از احدی نترسد، خداوند تمام امور او را اصلاح خواهد کرد.

برنامه صبحگاهی امام رضا(ع)

« معمّربن خلاد» گوید:

برنامه ی روزانه ی حضرت چنین بود: هر گاه صبح می شد، نماز صبح به جای می آورد پس از سلام نماز، در جایگاه نماز خود می نشست و مشغول”تسبیح» و”تحمید» و”تهلیل” و”تکبیر» می شد و بر پیامبر(ص) درود می فرستاد تا آفتاب طلوع می کرد، سپس به سجده می رفت و پیوسته در سجده بود تا آفتاب بالا می آمد، سپس بر می خاست آنگاه وارد اجتماع می شد و به فعالیت های اجتماعی مشغول می گشت، و مردم را موعظه می فرمود.»

حالات امام رضا (ع) در رکوع و سجود نماز

«سلیمان جعفری” روایت می کند که امام هشتم (ع) فرمود:

«من در حال سجده بودم که ناگهان باد سختی وزید، و هر کس در جستجوی جایگاهی بود تا خود را از آسیب باد مصون دارد، و من همچنان در حال سجده بودم و به خدای خود الحاح می نمودم (در راز و نیاز با پروردگار اصرار و پا فشاری می کردم) تا این که باد آرام گرفت.»

«محمد بن اسماعیل بن بزیع» گوید:” امام هشتم (ع) را دیدم در وقتی که به سجده می رفت، سه انگشت خود را یکی پس از دیگری آرام حرکت می داد، گویا که تسبیح خود را می شمارد. آنگاه سر از سجده بر می داشت.”

هم چنین می گوید:”رکوع حضرت را دیدم. که از هر کس که در رکوعش را دیده بود کوتاهتر انجام می شد، و هنگام رکوع دو دست خویش رااز پهلو ها جدا می کرد، و مانند دو بال قرار می داد.»

برکات لباس نماگزار

امام رضا (ع) پیراهنی از نوع”خز» و”دعبل» (شاعر مدیحه سرای خاندان رسالت) هدیه داد،و به او فرمود:

این پیراهن را نگهدار که درآن هزار شب، و در هر شب هزار رکعت نماز خوانده ام، و در آن هزار بار قرآن را ختم نموده ام.

فلسفه ی نمازهای مستحب از دیدگاه امام رضا(ع)

امام رضا (ع) فرمود:” خداوند عزّو جلّ فقط بر مردم در شبانه روز هفده رکعت نماز واجب کرد. هر که آن را به جا آورد، (آن چنان خود ساخته شود که) از چیز دیگر مود مواخذه و پرسش واقع نمی شود. و رسول خدا (ص) نمازهای مستحبی را بر آن افزود، برای آنکه چنآن چه نقصانی در آنها باشد، بوسیله ی نوافل کامل شود. و همانا خداوند بر زیادی نماز و روزه عذاب نمی کند ولکن هر که بر خلاف سنّت و روش پیامبر و امام عمل کند، مورد عذاب قرار خواهد گرفت. (کتابچی، 1382، 78-83)

آخرین نماز امام رضا(ع)

«یاسر» خادم امام رضا(ع) گوید:” هنگامی که میان ما و شهر طوس هفت منزل باقی مانده بود، امام رضا (ع) بیمار شد. چون به طوس رسیدیم بیماری حضرت شدت یافت، از این جهت چند روز در این شهر ماندیم و. مامون هر روز دوبار به دیدن آن حضرت می آمد، پس چون آخرین روز زندگی حضرت فرارسید، آثار ضعف بر بدن آن حضرت نمایان بود. ایشان پس از اقامه نماز ظهر به من فرمود:

ای یاسر ! آیا مردم طعامی نخوردند؟

گفتم: ای سرور من! با حال رنجوری که شما دارید، چه کسی رغبت می کند که طعامی بخورد.

پس حضرت نشست و فرمود: سفره را حاضر کنید،آنگاه هر کدام از خدمتگزاران را بر سر سفره نشانید، و به احوالپرسی یک یک آنان پرداخت. و چون غذا خوردند فرمود: برای زنان طعام بفرستید. آنان به دستور امام عمل نمودند: هنگامی که زنان از خوردن غذا فارغ شدند. امام از هوش رفت، سپس جان به جان آفر ین تسلیم نمود. درآن لحظه فریادها بلند شد.

آخرین دعای امام رضا (ع)

«یاسر” گوید: امام رضا (ع) چون روز جمعه در مسجد جامع از نماز بر می گشت، و عرق و غبار چهره مبارکش را فرا گرفته بود، دستهای مبارک را به سوی آسمان بلند کرد و به پروردگار عرض کرد:

« خدایا ! اگر فرج من (از آن چه هم اکنون در آن هستم) در مرگ من می باشد، همین ساعت در رساندن مرگ من تعجیل فرما. “ از این به بعد امام پیوسته در غم و اندوه بود، تا سرانجام به حق پیوست.

نتیجه گیری

یکی از گمشده های مهم و دیرینه ی بشر، آرامش بوده، او به هر دری می زند تا آن را دریابد،به هر گل که می رسد آن را می بوید تا گمشده اش را پیدا کند. در حالی که نمی داند هیچ چیز جز یاد حق نمی تواند به دل طمانینه و آرامش بخشد. هر گاه دل آدمی به وسیله ی یاد خدا از همه ی تعلقات دنیوی رسته و آزاد شود، و به خدا بپیوندد، زندگی برایش گوارا و لذت بخش می شود. این حالت قرب به حق او را به جایی می رساند که ربط با حق برایش ملک سلیمان می شود، و افق دید او را آنچنان وسیع می کند که هر گاه به انسان های دنیا پرست و دلباخته در برابر زرق و برق زندگی مادی می نگرد و آنها را از این موهبت عظیم قرب به حق محروم می بیند، احساس وحشت می کند و می گوید:

حالت قرب به حق، نمازگزار را به مرحله ای می رساند که نرسیدن به یک وسیله ی مادی و یا از دست دادن آن هرگز آرامش روحی او را بر هم نمی زند، این جهان برای او یک آشیان کوچک و موقتی می شود که وی پیوسته خود را قفس دنیا همچون زندانی احساس می کند و دنیا زدگان را مرغانی می بیند که باغ را فراموش کرده اند، و هر چه می فهمند همین قفس دنیاست.

برای او دراین جهان همچون گاهواره است برای دوران کودکی، از این جهت در نظر او، دوران بیش تر، دوران دیگری است.

کسانی که به درجه ی عالی بندگی رسیده اند. چنان جلال و کبریایی حق آنها را شیفته و حیران نموده است که حاضر نیستند این لذت باقی را به تمام لذّات فانی جهان معاوضه کنند.

هر گاه بنده به نماز می ایستد، در این هنگام فرشته ی الهی به او خطاب می کند:” حقیقتاً کسی رستگار است که برعبادت و نماز مواظبت کند.”

«چیزی برای انسان لذیذتر از مشاهده ی پشت پرده ی عالم طبیعت نیست. هیچ چیز جهان غیب نمی تواند انسان را به خود مشغول کند. اگر انسان باطن این عالم را دید ولو به مقدار کم، هیچ چیز او را نه به خود مشغول می کند و نه او را می ترساند.” درتاریخ به بزرگانی بر می خور یم که در نماز آن چنان مستغرق یاد الهی می شده اند که به سبب نشاط«خود رهایی” همه چیز و ازآن جمله غمهای خویش را فراموش می کردند، و در آن حال خوش هرگز از خدا چیزی نمی طلبند.

“ شما ملاحظه بفرمایید که نماز که در رأس همه ی عبادات واقع است، وضع نماز چطور است. با تکبیر شروع می شود و بعد هم با سه دفعه تکبیر به آخر می رسد و محتوای نماز هم تکبیر است و تسبیح و تحمید.

این برای این است که شاید به ما بفهماند، به همه ی بشر بفهماند که در همان اولی که می خواهید در بزرگتر ین عبادت خدا واقع شوید، وارد بشوید، توجه کنید که خدای تبارک و تعالی، اکبر از این است که شما عبادتش بکنید... اگر اجازه نبود که انسان وارد بشود بر عبادت، همه ی عبادات، انسان خجالت می کشید که بایستد در مقابل خدا و بخواهد در مقابل خدا او را تمجید کند. انسان کوچکتر از این است که بایستد در مقابل خدا و خدا را تمحید کند، تمجید کند. این ادعا است. تمحید و تمجید ادعای این است که من شناختم و انسان عاجز است از اینکه بشناسد. لکن چاره نیست چون خود گفته است. خود او امر فرموده است و چون او امر فرموده است، همه باید اطاعت کنند ولو اینک قاصر هستند از اینکه تمحید کنند خدا را، تنزیه کنند خدارا... و اگر نبود امر خدا و لزوم اطاعت از امر خدا، باید بگویم انسان آن که حظّ ضعیفی از معرفت دارد، جرأت به اینکه بایستد و عبادت کند خدا را نداشت، لکن او جرأت داده است. همان طوری که متنزّل کرده است همه ی معارف را، تا رسانده است به این جا.»

« ما اگر لیاقت قرب الی الله را نمی داشتیم بدان مکلّف نمی شدیم، ما اگر آشنایی با خداوند عالم نداشته باشیم او را خطاب نمی کنیم، زیرا خطاب به مجهول مطلق چون طلب مجهول مطلق محال است.»

منابع و مآخذ

عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث نماز (جلد اول)، انتشارات نبوغ، دوم، پاییز1375.

انصاریان، حسین، سیمای نماز، انتشارات پیام آزادی، اول، 1375.

ابراهیمیان آملی، سید یوسف، نردبان عروج، انتشارات رسانش، اول، زمستان 1381.

شریف القرشی، محمد باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا (ع) (جلد دوم)، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، اول، 1382.

کتابچی، محسن، نمازو دعا از دیدگاه امام رضا علیه السلام، دوم، 1382.

شهاب، محمد علی، مشهد الرضا علیه السلام، نشر نذیر، دوم، 1381.